



چرا اعمال انسان باقی می ماند/ حقیقت عمل از بین رفتنی نیست

وقتی در حقیقت و ماهیت عمل تامل و دقت می کنیم هر عملی را با خود انسان و و در درون او به خوبی خواهیم دید و حرکت های درونی و ظاهری...

وقتی در حقیقت و ماهیت عمل تامل و دقت می کنیم هر عملی را با خود انسان و و در درون او به خوبی خواهیم دید و حرکت های درونی و ظاهری را با او و مرتبط به او خواهیم یافت. به گزارش خبرگزاری مهر، یکی از معیارهای سنجش افراد اعمال آنها است و در آموزه های دینی هم اهمیت زیادی به اعمال انسان داده شده است. اما عمل انسان در بروز و ظهور خلاصه نمی شود و دارای حقیقتی است و از این منظر، عمل عبارت است از یک حرکت درونی از حالتی به حالت دیگر، حرکتی که همه مقدمات آن از قبیل مبانی عقیدتی و فکری، اشتیاق به هدف و مقصد و تصمیم و اراده و نیز، همه موخرات آن از قبیل نتیجه و مقصد و نیل به آن، همانند خود حرکت، یک سلسله امور درونی بوده و حرکات ظاهری و صوری، وسیله و طریق تحقق بخشیدن به این حرکت درونی است.

به هر صورت که حقیقت و ماهیت عمل را تصویر بکنیم، باید به این واقعیت توجه داشته باشیم که عمل انسان برای همیشه باقی بوده و با او در ارتباط است.

باقی بودن عمل یک مسئله کلی و مسلم است، زیرا هیچ موجودی از موجودات و هیچ واقعیاتی از واقعیات هستی به هر نحوی باشد از بین نمی رود و معدوم نمی گردد. آنچه به وجود آمد و پا به عرصه وجود گذاشت، از صحیفه هستی هرگز محو نمی شود. البته تبدل و تحول و عوض کردن صورت، مسئله دیگری است.

هر موجودی و هر واقعیاتی دارای نحوه وجود و طور وجودی خاصی بوده و برای خود بقا به خصوصی داشته و به جایی خود باقی است. عقیده و فکر، اشتیاق به هدف، تصمیم و اراده، حرکت درونی، نیل درونی به هدف و خود هدف، همه خصوصیات روحی و درونی، برای خود یک سلسله واقعیات های عینی درونی هستند که باقی می باشند. همچنین حرکات ظاهری و صوری نیز یک سلسله واقعیات های عینی دیگرند که برای خود از موجودیت و از بقا به خصوصی برخوردارند، به طوری که هر یک از واقعیات هستی برای خود موجودیت و بقا خاصی دارد.

در خصوص ارتباط اعمال انسان با خود انسان به هر صورتی تصویر بکنیم اعمال را در ارتباط با خود عامل خواهیم یافت. هر عملی معلول انسان و صادر از او و قائم به او است. ارتباط بین عمل و بین انسان، از باب ارتباط بین معلول و علت است. اگر در حقیقت و ماهیت عمل به تامل و دقت بپردازیم، هر عملی را با خود انسان و در عالم او و در درون او به خوبی خواهیم دید و حرکت های درونی و ظاهری را با او و مرتبط به او خواهیم یافت.

قائم بودن اعمال انسان با خود او و ارتباط آنها به انسان، یک مسئله مهم است. آیات قرآن و روایات نیز به این حقیقت اشاره دارد. آیات 7 و 8 سوره زلزال، آیه 13 سوره اسراء، آیه 38 سوره المذثر و آیات دیگر و نیز احادیث زیادی با کمال وضوح به قائم بودن اعمال انسان به خود او و به ارتباط آنها با انسان دلالت می کند.

تمثل برزخی اعمال با مرگ و انقطاع صورت اصلی و درونی هر کدام از اعمال در حیات دنیا، صورت خاص موجود در درون ما است، به این حقیقت باید توجه داشته باشیم که همین صورت های درونی اعمال در نظام برزخی به مقتضای احکام مخصوص آن نظام، تمثل ها و تجسم ها داشته و صورت درونی هر عملی، تمثل و تجسم مخصوصی دارد.

اعمال ما با صورتهای درونی خود در باطن ما موجود هستند و قائم به وجود ما می باشند. همین که روح ما که حقیقت ما است از بدن مادی منقطع شد و به عالم برزخ وارد شد، با همه آنچه در خود و با خود دارد، وارد نظام جدیدی می گردد که برای خود احکام و سنن و معیارهای به خصوص و ناشناخته ای دارد و به مقتضای احکام و معیارهای خاص خود، روی ارواح وارد به آن نظام و روی خصوصیات ارواح و آنچه با خود دارند، حساب باز می کند.